



Revolution Studies

Female Identity in Verbal Capital of Ayatollah Khamenei After the Islamic Revolution Theory

Narges Nikkhah Ghamsari¹

Doi:10.22034/FADEMO.2023.417969.1022

Hasan Ahmadi²

Abstract

This article shows how gender is constructed as a discourse in the words of Ayatollah Khamenei as the most prominent religious leader in Iran. This new female subject has been created in the context of social developments and events related to women and in Iranian society since the years before the revolution, especially in the 1970s. Our method is the historical-discourse approach of Ruth Wedak, which emphasizes on the historical foundations of the discourse. The results of the analysis show that in Ayatollah Khamenei's words, a woman is identified with concepts such as Islamic values, humanity, being a scholar, being a believer, being active and influential in society, and being independent in determining one's own destiny. While he attaches special importance to the role of wife and mother, he emphasizes the same duties of men and women (regardless of gender boundaries) in serving the Islamic society of Iran.

Keywords: Female Identity, Ayatollah khameni, Ruth Wodak, Historical-Discursive Approach, Verbal Capital.

1. Associate Professor of Social Sciences, Faculty of Humanities, University of Kashan, Iran

2. Master's degree in cultural studies, Kashan University, Iran

هویت زن در سرمایه کلامی آیت‌الله خامنه‌ای پس از انقلاب اسلامی

نرگس نیکخواه قمصری^۱

Doi:10.22034/FADEMO.2023.417969.1022

حسن احمدی^۲

چکیده: این مقاله بر آن است تا نشان دهد که جنسیت به‌عنوان یک برساخته گفتمانی چگونه در کلام رهبر ایران، به‌عنوان مهم‌ترین الیت سیاسی و برجسته‌ترین شخصیت مذهبی، ساخته می‌شود. این سوژگی جدید زنانه در بستری از تحولات و رخداد‌های اجتماعی مربوط به زنان و در جامعه ایران از سال‌های قبل از انقلاب و به‌ویژه در دهه هفتاد ساخته شده است. روش کار ما نیز رویکرد تاریخی-گفتمانی روث وداک است که بر بسترهای تاریخی سازنده گفتمان تأکید دارد. نتایج تحلیل نشان می‌دهد که در کلام ایشان زن با مفاهیمی چون ارزش‌های اسلامی، انسانیت، عالم بودن، مؤمن بودن و فعال و تأثیرگذار بودن در جامعه و مختار بودن در تعیین سرنوشت خود شناخته می‌شود. ایشان در عین حال که برای نقش همسری و مادری اهمیت ویژه قائل است، بر یکسانی وظایف زن و مرد (فارغ از مرزهای جنسیتی) در خدمت به جامعه اسلامی ایران تأکید می‌کند.

کلیدواژه‌ها: زنان، گفتمان، امام خمینی، آیت‌الله خامنه‌ای، روث وداک، تحولات زنان، مشارکت سیاسی.

۱. دانشیار علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه کاشان، کاشان، ایران. (نویسنده مسئول)
n_nikkhah_gh@yahoo.com

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد مطالعات فرهنگی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.
hasanho233@gmail.com

مقدمه

جایگاه زنان به‌عنوان قشری عظیم از جامعه که پرورش روحی و ذهنی آنان تأثیرات بسزایی در رشد و توسعه جامعه در پی خواهد داشت بر کسی پوشیده نیست؛ اما تاریخ بشر روایتی دیگر از زن و جایگاه وی ارائه می‌دهد. در تاریخ جهان زنان به‌اندازه مردان در قدرت سهیم نبوده‌اند و عمدتاً در حاشیه حضور داشته‌اند تا آنجا که این در حاشیه ماندن به یک ویژگی رفتاری موردقبول و گاه پسندیده برای آنها تبدیل شد. جامعه و فرهنگ مردسالار نیز از آنان چنین رفتاری را طلب می‌کرد.

کارن هورنای^۱ با تمرکز بر روان‌شناسی زنانه، این‌گونه می‌گوید: زنان این کار را به دلایل اجتماعی انجام می‌دهند چون زن به دنیا آمده‌اند. اگر زنان احساس بی‌ارزشی می‌کنند به خاطر آن است که در فرهنگ مردسالاری با آنها به این شیوه برخورد شده است. بعد از نسل‌ها تبعیض اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی این قابل درک است که بسیاری از زنان خود را از این دریچه ببینند. در تعریف سنتی نقش زن بر عشق ورزیدن، تحسین کردن و خدمت کردن به مرد تأکید می‌شد. هویت زن بازتابی از هویت همسر و پدر و خانواده‌اش بود.

هورنای بر این اعتقاد بود که زنان باید از طریق پرورش دادن توانایی‌هایشان و داشتن شغل، هویت از دست رفته خود را بازیابند. هرچند که دچار تعارضی میان چگونگی ایفای نقش جدید و نقش‌های سنتی خویش می‌شوند. برای زنان، ترکیب کردن ازدواج، مادری و داشتن شغل به‌صورت یک مشکل باقی می‌ماند (شولتز و شولتز، ۱۳۷۸، صص. ۱۸۳-۱۸۱).

تاریخ پرفرازونشیب ایران هم تصویری از انفعال زنان نمایش می‌دهد. هرچند که در دوره‌هایی زنان به مقام پادشاهی نیز رسیده بودند. در واقع هرچند زنان از اواخر قرن گذشته و در طول انقلاب مشروطه به نسبت ورود چشم‌گیری به زندگی اجتماعی داشته‌اند، در بسیاری از مقاطع تاریخی به دلیل همان مقاومت نسبی در جامعه مردسالار، استقلال و حضور پررنگشان نمی‌توانست تداوم داشته باشد و به نهادی شدن مشارکت آنها منجر گردد.

درعین‌حال، مقاومت سنتی نیز با تحول اشکال زندگی به‌خصوص با ورود تکنولوژی جدید و مناسبات تازه اقتصادی به تدریج درهم‌شکسته می‌شد. دوران پس از انقلاب به افزایش حضور زنان در فضای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی منتهی شد. مواردی همچون گسترش شهرنشینی و ترجیح سبک زندگی شهری، افزایش نرخ سواد، تقاضای بیشتر برای تحصیلات دانشگاهی و شرکت بیشتر زنان در بازار کار از جمله تغییرات اجتماعی است که در نتیجه گسترش روندهای

1. Karen Hornay

مدرنیزاسیون پرشش از چگونگی برساخت هویت زن را در کانون توجه قرار داده است. پس از انقلاب، زنان جامعه با احساس امنیتی که به واسطه انقلاب و اسلامی شدن در آنها ایجاد شده بود، پا به عرصه نهادند و تمامی توان خود را در بالا بردن جایگاه و موقعیت خود در جامعه به کار بستند. افزایش تمایل خانواده‌ها جهت تحصیل دختران در مراکز آموزشی یکی از تغییرات مثبت بعد از انقلاب اسلامی در زمینه آموزش و نظام تربیتی است. شتاب روند یاد شده به گونه‌ایی بوده که از دهه هشتاد (اسماعیلی و ربیعی، ۱۳۸۷، ص. ۹۸). تاکنون^۱ بیشترین سهم ورود به دانشگاه‌ها متعلق به دختران است.

با تأکیدهای فراوان معمار انقلاب اسلامی، امام خمینی مبنی بر حضور فعالانه و اسلامی و اخلاقی زنان در جامعه، وضعیت زنان در حال دگرگون شدن بود؛ اما وقوع جنگ هشت ساله تحمیلی و پیامدهایش بار دیگر مشکلات زنان و مسائل آنها را به حاشیه راند، هرچند که دلاوری‌های زنان و مادران این سرزمین در این جنگ نیز بر کسی پوشیده نیست. بعد از رحلت امام خمینی و انتخاب خامنه‌ای به عنوان رهبر ایران اسلامی، ایشان در بیانات خویش به مناسبت‌های مختلف خواهان حضور اسلامی زنان در جامعه شدند.

واکاوی مطالعات انجام شده در این زمینه حاکی از آن است تغییرات ژرف در حوزه زنان ریشه در یک گفتمان جدید دارد که محصول کردارهای اساسی افراد سازنده این گفتمان و بازتولید آن در جامعه است از همین رو، در اینجا بیانات رهبری به عنوان برجسته‌ترین شخصیت مذهبی و سیاسی در رأس هرم قدرت محور بحث قرار می‌گیرد تا نحوه ایجاد این گفتمان جدید از طریق استراتژی‌های اصلی تحلیل گفتمان انتقادی با توجه به بسترهای تاریخی مورد بررسی قرار گیرد.

پیشینه پژوهش

در دهه‌های اخیر آثار متعددی باهدف گردآوری و صورت‌بندی اندیشه رهبر انقلاب در حوزه زنان به نگارش درآمده است که از آن جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: مؤسسه انقلاب اسلامی با انتشار کتاب *زن و بازیابی هویت حقیقی* (۱۳۹۰) به تفصیل ویژگی‌های هویتی زن در سه عرصه فردی، خانوادگی و اجتماعی پرداخته است. سعیدیان و براتی در پژوهشی با هدف تحلیل نسبت زن و آزادی در اسلام در مقایسه با غرب بر اساس آرای خامنه‌ای (۱۳۹۴) با روش تحلیل محتوای کیفی درصدد به تصویر کشیدن دیدگاه رهبری درباره آزادی در جهان غرب

۱. به گزارش سایت سازمان سنجش، پذیرفته‌شدگان در کنکور ۱۴۰۲، ۵۴/۴ درصد دختر و ۴۵/۶ درصد پسر بوده‌اند.

و پیامدهای آن در مقایسه با آزادی در اسلام برآمده‌اند. لولا آور و شاهمرادی در پژوهشی با عنوان «واکاوی نقش اجتماعی زن از منظر آیت‌الله خامنه‌ای» (۱۳۹۳)، با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی به مقایسه نقش اجتماعی زنان در دیدگاه رهبر انقلاب و سایر متفکران پرداخته و نقش ترکیبی خانوادگی - اجتماعی را الگوی مطلوب رهبری می‌دانند. بانکی پور در کتاب *نقش و رسالت زن* (۱۳۹۳) محتوای سخنرانی‌های رهبری پیرامون زنان را در ذیل عناوین عفاف و حجاب، الگوی زن، زن و خانواده، جایگاه و مسائل زنان در اسلام و تجدد، عرصه‌های حضور اجتماع زنان گردآوری کرده است. فرج‌الله هدایت نیز در کتاب *الگوی سوم* (۱۳۹۵) پس از دسته‌بندی الگوهای زنانه در سه گروه خانواده گریز، خانه‌نشین و خانواده‌گرایی با حضور مسئولان در اجتماع، دیدگاه سوم را نظریه مختار رهبری می‌داند. سیمبر و رضاپور نیز در پژوهشی با عنوان «جایگاه زنان در گفتمان رهبران انقلاب اسلامی» (۱۳۹۷) با روش تحلیلی، توصیفی به مقوله‌بندی مباحث زنان در ذیل عناوین مختلفی چون ارزش‌های اسلامی، برابری، انسانیت، آزادی و... پرداخته‌اند.

فرق کلی اثر حاضر با دیگر پژوهش‌های انجام شده در این زمینه تمرکز بر استراتژی‌های رهبری در برساخت هویت زن ایرانی در سطح گفتمانی است که ریشه در روش این پژوهش دارد. به‌بیان‌دیگر، این پژوهش تلاش دارد با بررسی بیانات رهبری در طی سال‌های زعامت، اسلوب‌های سازنده هویت جدید از زن ایرانی را به‌عنوان الگوی سوم بر اساس روش تحلیل گفتمان و داک صورت‌بندی کند.

روش تحقیق

۲۳۱

تحلیل گفتمان به‌عنوان یک گرایش مطالعاتی میان‌رشته‌ای از دهه ۱۹۶۰، به ساخت و کارکرد اجتماعی زبان، به‌عنوان یک پدیده تاریخی و فرهنگی تمرکز کرد. استویز^۱ در تعریفی از تحلیل گفتمان، آن را زبان و رای جمله و عبارت می‌داند. برخی از زبان‌شناسان انتقادی وظیفه اصلی تحلیل گفتمان را «پیدایش و گسترش آگاهی انتقادی نسبت به زبان به‌منابۀ عاملی برای سلطه» می‌دانند. به این معنا که بسیاری از کنش‌های کلامی بخشی از تعریف سلطه‌اند، کنش‌های کلامی که در خدمت ایجاد تبعیض، مشروعیت دهی یا مشروعیت‌زدایی، مسئله‌دار کردن و به حاشیه راندن هستند (فاضلی، ۱۳۸۳، ص. ۸۲).

روش تاریخی - گفتمانی روٹ و داک در تلاش است تا به‌طور نظام‌مند همه اطلاعات پس

1. Stobz

زمینه‌ایی در دسترس را برای تحلیل و تعبیر لایه‌های گوناگون یک متن گفتاری یا نوشتاری به هم گره بزند. تمرکز و داک بر تمامی بافت‌های تاریخی گفتمان در فرایند تبیین و تعبیر، رویکرد او را از دیگر رویکردهای تحلیل انتقادی گفتمان متمایز می‌کند (قجری، ۱۳۸۸، ص. ۱۱۱). از نظر وداک گفتمان‌ها به مثابه کردارهای اجتماعی زبانی، هم‌سازنده کردارهای غیراجتماعی و گفتمانی‌اند و هم به واسطه آنها ساخته می‌شوند.

وداک گفتمان‌ها را همواره تاریخی می‌داند؛ یعنی به‌طور هم‌زمانی و در زمانی با رویدادهای دیگر که در همان زمان در حال وقوعند یا قبلاً اتفاق افتاده‌اند در ارتباط است. وداک برای عملیاتی کردن رویکرد خویش پنج استراتژی را بیان می‌کند که هر کدام برای بازنمایی مثبت از خود و منفی از دیگری به کار برده می‌شوند:

۱. استراتژی ارجاعی یا انتسابی: این استراتژی برابر با طرح‌های زبان‌شناختی مانند مقوله‌بندی عضویت، استعاره، مجاز در مطالعه موضوعاتی چون ساخت‌های درون‌گروهی و برون‌گروهی به کار می‌رود.

۲. استراتژی گزاره‌ای: ویژگی‌های مثبت یا منفی رفتارها را کلیشه یا تخمین می‌زند و خصوصیات کم‌وییش مثبت یا منفی کنشگران را نام‌گذاری می‌کند.

۳. استراتژی استدلالی: در استدلال‌هایی منعکس می‌شود که برای توجیه تحسین‌آمیز یا تحقیرآمیز، طرد یا دربرگیرندگی سیاسی افراد به واسطه ویژگی‌های مثبت یا منفی آنها به کار گرفته می‌شود.

۴. استراتژی منظرسازی: این استراتژی به قالب دهی یا معرفی گفتمان با استفاده از گزارش، توصیف، روایت یا برجسته‌سازی گفتارها و رویدادها می‌پردازد.

۵. استراتژی‌های تشدید و تخفیف: این استراتژی در تلاش است تا نیروهای غیرکلامی مؤثر در گفتارها را افزایش یا کاهش دهند و این کار معمولاً با معرفی ساختارهای معرفت‌شناختی متون انجام می‌گیرد (نیکخواه، ۱۳۹۱، صص. ۸-۹).

۲۳۲

زنان ایران در گستره تاریخ

در عصر مشروطه نگرش سنتی به زن و مذهب استدلال می‌کند که مشارکت زنان در زندگی عمومی و سیاسی موجب تضعیف رابطه آنان با زندگی خانوادگی می‌شود. به‌عنوان نمونه، سخن سید حسن مدرس در ارتباط با عدم جواز شرعی حق رأی زنان به سبب ضعف عقل یا هیاهوهای تأسیس مدرسه دخترانه در زمان محمدعلی شاه تأییدکننده ادعای ماست (آبراهامیان، ۱۳۸۲، ص. ۱۱۹)؛ اما حرکات جدی سیاسی زنان از دوره قاجاریه آغاز می‌شود که این حرکات

به دو دسته تقسیم می‌شوند: یکی فعالیت‌های زنان است همراه با مردان و در دفاع از منافع ملی و در مخالفت با استعمار و استبداد؛ و دیگری فعالیت‌هایی است که طرف زنان و برای زنان انجام می‌شد (محمدی اصل، ۱۳۸۳، ص. ۱۰۸). زنان کم‌کم جامعه را برای پذیرش حضور خود آماده کردند برای مثال، اگرچه ابتدا جرأید مشروطه بیان‌گر صدای مردان بود؛ ولی زنان با نوشتن نامه به این جرأید جایی برای خود در این فضا گشودند، با تأسیس مدرسه دخترانه راه را برای تحصیل علم جدید باز کردند، با تشکیل انجمن‌های زنان خود را همپای سیاسی مردان دانستند (قاسمی، ۱۳۹۰، ص. ۲۱).

وضعیت زنان در دوران پهلوی اول و دوم تغییر شگرفی نسبت به دوره قاجار داشت. در این دوره اگرچه هرگونه فعالیت غیردولتی زنان ممنوع شده و صداهای مستقل زنان خاموش شده بود؛ اما این به معنی مسکوت ماندن مسئله زنان همچون دوره قاجاریه و پیش از آن نبود. حکومت پهلوی به دلایلی همچون برنامه‌های توسعه و مدرنیزاسیون کشور متوجه لزوم تغییر وضعیت زنان شده بود؛ اما با ماهیت استبدادی و پدرسالارانه‌اش ترجیح داده بود که این تغییرات تنها از مجرای دولتی و با ابتکار حکومت در مباحثی چون ایجاد مؤسسات آموزشی، برخورد با تبعیض جنسیتی در امکان عمومی، کشف حجاب و... (آبراهامیان، ۱۳۸۲، ص. ۱۸۰) صورت گیرد. از این رو، با روشی قیّم‌مآبانه با مسئله زنان برخورد نموده و هر آنچه از دید خودشان به مصلحت حکومت و زنان بود به اجرا درآوردند.

به بیان دیگر، اقدامات انجام‌شده در عصر پهلوی اول و دوم همچنان کمال زن ایرانی را در انجام وظایفش در عرصه خصوصی می‌دانست (نیکخواه، ۱۳۹۱، ص. ۱۱). شاید به همین خاطر است که جلال آل احمد می‌گوید: «که زن را که حافظ سنت و خانواده و نسل و خون است به ولنگاری کشیده‌ایم. به کوچه آورده‌ایم. به خودنمایی و بی‌بندوباری واداشته‌ایم» (آل احمد، ۱۳۸۴، ص. ۷۸).

اما پیروزی انقلاب اسلامی و نتایج آن برای زنان مسیری متفاوت را پیش نهاد. به طور خلاصه می‌توان گفت که دستاوردها و پیامدهای انقلاب برای زنان برحسب تعلق طبقاتی‌شان متفاوت بوده است. زنان طبقات فرودست و روستایی که در دوره پهلوی مورد بی‌توجهی و بی‌اعتنایی قرار گرفته بودند بعد از انقلاب حیات تازه‌ای یافتند.

انقلاب به‌ویژه در سه عرصه برای زنان دستاوردهای درخشانی به ارمغان آورد. در عرصه بهداشت، سلامت زنان اهمیت فزاینده‌ای یافت و حکومت جدید توانست با اجرای برنامه‌های بهداشتی موفق حتی در نقاط دور دست و دورافتاده سلامت بارداری و زایمان زنان را تأمین

کند و نرخ مرگ‌ومیر ناشی از بارداری و زایمان را کاهش دهد؛ همچنین با اجرای برنامه‌های واکسیناسیون و پیشگیری از بارداری و آموزش زنان روستایی سطح سلامت و بهداشت (غنیمی و دیگران، ۱۳۹۹) آنها را بهبود بخشد.

همچنین انقلاب اسلامی مانع فرهنگی تحصیل زنان را برداشت و با جلب اعتماد جامعه سنتی مردسالار به جامعه اسلامی، راه تحصیل دختران را هموار نمود. بر اساس آمار رسمی کشور که از سوی مرکز آمار ایران منتشر می‌شود باسوادى زنان از ۳۵/۵ درصد در سال ۱۳۵۵ به بیش از ۶۷ درصد در سال ۱۳۷۰ و ۷۰ درصد در سال ۱۳۷۵ رسید. تعداد پذیرفته‌شدگان زن در مراکز آموزش عالی دولتی طی سال‌های دهه هفتاد به سرعت رو به افزایش است (توسلی، ۱۳۸۷، ص. ۳۴۱). همچنین در زمینه تولید کتاب چه در قالب نویسندگی، مترجمی یا ویراستاری آمارها نشان می‌دهد که از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۷، ۱۴۷۴۹۱ عنوان کتاب منتشر شد که از این تعداد ۶۴/۸۷ درصد را مردان و ۱۲/۵۴ درصد را زنان به‌تنهایی تولید کرده‌اند؛ اما روند مشارکت زنان در تولید کتاب حاکی از نرخ صعودی است، چنانکه سهم زنان از جمعیت محققین کشور به ۳۳ درصد در سال ۱۳۹۹ رسیده است (غنیمی و دیگران، ۱۳۹۹، ص. ۸).

آثار فراوانی که در دهه ۷۰ در حوزه سینما تولید شده است نشان از مطرح شدن مسائل زنان در سینما از سوی کارگردانان به‌ویژه کارگردانان زن است (شفیعی، ۱۳۸۵، ص. ۲۰۳). انتشار مطبوعات زنان در سال‌های نخستین انقلاب با ۱۸ نشریه که بیشتر صبغه نظری داشتند؛ ولی کم‌عمر بودند یکی از مهم‌ترین دوره‌های تاریخی مطبوعات زنان را رقم زد.

پس از انقلاب اسلامی تلقی امن شدن عرصه عمومی در میان زنان به‌ویژه زنان مذهبی و از طبقه سنتی، رشدی فزاینده داشت. از طرف دیگر، زنان به عرصه سیاست توده‌وار کشیده شده بودند. قبل از انقلاب برانداختن حکومت پهلوی و بعد از انقلاب مبارزه با آمریکا، زنان را به حاملان و حامیان پیام انقلاب ایران تبدیل کرد (جلایی‌پور، ۱۳۸۵، ص. ۴۴). در دوران جنگ ایران و عراق نیز، زنان حضوری فعال داشتند؛ بنابراین به حاشیه راندن زنان پس از کسب چنین تجربیاتی و دور کردن آنها از عرصه‌های اجتماعی و سیاسی غیرممکن بود.

اولین نهاد سیاست‌گذار و برنامه‌ریز در حوزه امور زنان در سال ۱۳۶۷ با عنوان شورای فرهنگی - اجتماعی زنان ایجاد شد. حضور زنان در مجالس قانون‌گذاری جمهوری اسلامی ایران در طی ۴ دوره از رشد ۲ درصدی برخوردار بوده؛ یعنی از انتخابات سال ۱۳۵۹ که زنان ۱/۵ درصد تعداد نمایندگان مجلس را تشکیل می‌دادند، در دوره چهارم فقط ۳/۵ درصد از کرسی‌های مجلس را زنان اشغال نمودند که این حضوری ناکافی و اندک بوده است. یکی از

ویژگی‌های مجلس پنجم، حضور قابل ملاحظه زنان داوطلب در نمایندگی بود. هر چند به لحاظ تعداد کاندیداهای زن شاهد تحول چشم‌گیری بودیم؛ اما نتیجه تفاوتی با دوره‌های قبلی نداشت (کار، ۱۳۸۴، صص. ۱۱۳ - ۱۱۲).

در مجالس پنجم تا هفتم، یعنی سال‌های بین ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۶ شاهد میزان بالایی از حضور زنان نماینده در مجلس بودیم. مجلس پنجم ۱۳ نفر، مجلس ششم ۱۳ نفر و مجلس هفتم ۱۲ نفر. هر چند این تعداد نسبت به کل نمایندگان بسیار ناچیز است؛ اما به هر حال، نشان‌دهنده مشارکت اجتماعی و سیاسی بیشتر زنان در این دوران است. همچنین در ترکیب جنسی اعضای شوراهای شهر و روستا در سراسر کشور نشان می‌دهد که این شوراها زمینه مشارکت فعال زنان را در رقابت پویا با مردان فراهم کرده‌اند. شمار زنانی که در این شوراها فعالند، حتی در شهرستان‌های کوچک بیانگر ایجاد زمینه فعالیت سیاسی برای زنان است.

جایگاه زنان در کلام رهبری

خامنه‌ای به عنوان مهم‌ترین نخبه سیاسی و سمبلیک در رأس هرم قدرت سیاسی و مذهبی جامعه و برخوردار از بالاترین میزان مشروعیت، اقتدار، نفوذ سیاسی و کنترل بر منابع مادی و معنوی در عرصه عمومی و توانایی بسیج آنها شناخته می‌شود، سهم بسزایی در تعریف سوزده جنسیتی دارد. سوزدهایی که نه با تعریف سنتی از زنان و نقش‌هایشان هم‌خوانی دارد و نه با تعریف زن مدرن غربی.

محورهای گفتمانی

مهم‌ترین محورهای گفتمانی مربوط به زنان که در بیشتر سخنرانی‌های ایراد شده در مناسبت‌های مختلف و پیرامون پیروزی‌ها و مسائل و مشکلات زن مسلمان ایرانی است عبارتند از: تأکید بر دین اسلام به عنوان تنها راه‌حل ممکن برای رهایی از مشکلات مربوط به زنان، بیان برابری زن و مرد در دین اسلام در تمامی عرصه‌ها؛ تأکید بر این نکته که تفاوت‌های مربوط به احکام و قوانین درباره زن و مرد مربوط است به تفاوت‌های طبیعی این دو جنس و نه چیز دیگری؛ تأکید بر اهمیت نقش مادری، نقش همسری؛ تأکید بر اهمیت نقش خانواده در اسلام و جامعه اسلامی، تقدیر و گرامیداشت حضور زنان در انقلاب اسلامی و پیروزی آن؛ تأکید بر حضور مؤثر زنان در جنگ ایران و عراق، تحصیل زنان، مشاغل مناسب برای آنها، لزوم حضور زنان در فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و چگونگی این حضور؛ تأکید بر رعایت حریم حجاب و عفت برای زنان، غرب و فرهنگ برهنگی و بی‌بندوباری، تلاش غرب برای نابودی

جامعه اسلامی و متلاشی ساختن بنیان خانواده در ایران اسلامی. این محورها در عبارتهای ذیل منعکس شده است.

الگوی اسلامی از زنان

در بیانات ایشان بیش از هر چیزی ضرورت حضور و فعالیت اجتماعی زنان در فضای امنی است که به برکت انقلاب اسلامی در جامعه به وجود آمده و در دوران پیش از آن نبوده است، به چشم می‌خورد. از نظر رهبری اسلام بهترین و کامل‌ترین راهنما برای تعیین وظایف زنان و مردان می‌باشد... از نظر ایشان، اسلام نگاه یکسانی به زنان و مردان دارد و برحسب طبیعتی که این دو جنس دارند به آنها وظایفی می‌دهد:

اسلام نسبت به زن و مرد و همه خلایق، یک دید واقع‌بینانه و متکی بر فطرت و طبیعت و نیازهای حقیقی دارد؛ یعنی از هیچ کس بیش از تمکنش و بیش از آن چیزی که به او داده شده است، توقعی ندارد. زن به جهت زن بودن، چه تکالیفی دارد و برای تحمل این تکالیف، احتیاج به چه هدایت‌هایی دارد؛ چه توصیه‌هایی باید به زنان بشود و چه قوانینی لازم است (خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۱۰/۱۶).

«علاج این است که ما سراغ راه‌حل الهی برویم و آن را پیدا کنیم؛ چون درباره مسئله زن و مرد، پیام وحی حاوی مسائل مهمی است؛ برویم ببینیم وحی در این باره چه می‌گوید» (خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۰/۴).

در اسلام همه این مقامات معنوی و درجات انسانی، بین زن و مرد بالسویه تقسیم شده است. در این موارد، مرد و زن با یکدیگر مساوی و برابرند. هر کس که برای خدا کار کند، «مَنْ ذَكَرَ أَوْ أُتِيَ»: چه مرد باشد و چه زن (خامنه‌ای، ۲۰/۱۳۷۳/۷).

در اسلام، برای فعالیت زنان، سه عرصه معین شده است. اول، عرصه تکامل و رشد معنوی خود زن است. زن و مرد در این بخش، هیچ تفاوتی در میدان رشد و تکامل معنوی ندارند... عرصه دوم، عرصه فعالیت‌های اجتماعی است؛ اعم از فعالیت اقتصادی، فعالیت سیاسی، فعالیت اجتماعی به معنای خاص، فعالیت علمی، درس خواندن، درس گفتن، تلاش کردن در راه خدا، مجاهدت کردن و همه میدان‌های زندگی در صحن جامعه. در اینجا هم میان مرد و زن در اجازه فعالیت‌های متنوع در همه میدان‌ها، هیچ تفاوتی از نظر اسلام نیست... البته بعضی از کارها هست که باب زنان نیست؛ چون با ترکیب جسمانی آنها تطبیق نمی‌کند. بعضی از کارها هم

هست که باب مردان نیست؛ چون با وضع اخلاقی و جسمی آنها تطبیق نمی‌کند. این موضوع ربطی به این ندارد که زن می‌تواند در میدان فعالیت‌های اجتماعی باشد یا نه. تقسیم کار، برحسب امکانات و شوق و زمینه‌های اقتضای این کار است. اگر زن بخواهد شوق داشته باشد، می‌تواند فعالیت‌های گوناگون اجتماعی و آنچه مربوط به جامعه است، انجام دهد. بخش سوم - که آن‌هم بسیار مهم است - بخش خانواده است؛ یعنی زن به‌عنوان یک همسر یا یک مادر. اینجا واقعاً احکام اسلام به قدری درخشان و افتخارآمیز است که انسان وقتی احکام اسلام را مشاهده می‌کند، احساس اعتزاز می‌نماید (خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۱۲/۲۰).

این همه منابع و تعالیم اسلامی در دسترس ماست: آیات کریمه قرآن؛ چه آیاتی که مستقیماً به این مسئله ارتباط پیدا می‌کند و چه آیاتی که با کلیت خود، با عموم و اطلاق خود شامل این مورد می‌شود، در اختیار ماست؛ اینها را باید تئوریزه کنیم؛ به شکل نظریه‌ها و مجموعه‌های قابل تشعب، قابل استفاده و قابل استنتاج دریاوریم و در اختیار همه بگذاریم (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۱۰/۱۴).

اهمیت نقش همسری و مادری در هویت زنانه

ایشان همواره بر اهمیت نقش مادری و همسری تأکید دارد:

چه نیرویی است که به زنی که عاطفه و احساسات در او قوی است و فرزند خودش را عاشقانه دوست می‌دارد، آن‌چنان قوتی می‌بخشد که در مقابل شهادت یک فرزند یا دو فرزند یا بیشتر، چنین قدرت و قوتی را از خود نشان می‌دهد؟ بعضی‌ها دو فرزند، بعضی‌ها سه فرزند، بعضی‌ها چهار فرزندشان به شهادت رسیدند. مادرانی را که عزیزانشان به شهادت رسیده بودند، ما دیدیم آن‌چنان از خودشان استقامت نشان می‌دادند که انسان را به حیرت فرومی‌برد (خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۱۰/۱۳).

اسلام در برخی جاها حتی زن را بر مرد ترجیح داده است. مثلاً آنجا که مرد و زن، پدر و مادری هستند که فرزندی دارند، این فرزند اگرچه فرزند هر دو نفر است؛ اما خدمتگزاری فرزند در مقابل مادر، لازم‌تر است. حق مادر بر گردن فرزند، بیشتر و وظیفه فرزند نسبت به مادر سنگین‌تر است (خامنه‌ای، ۱۳۷۳/۷/۲۰).

«زن به‌عنوان یک زوجه و یک همسر، در مراحل مختلف مورد توجه و عنایت ویژه اسلامی قرار دارد» (خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۱۲/۲۰).

از جمله وظایفی که بر عهده زنان در داخل خانه و خانواده است، مسئله تربیت فرزند است. زنانی که به خاطر فعالیت‌های خارج از خانواده، از آوردن فرزند استنکاف می‌کنند، برخلاف طبیعت بشری و زنانه خود اقدام می‌کنند. خداوند به این راضی نیست. کسانی که فرزند و تربیت فرزند و شیر دادن به بچه و در آغوش مهر و عطوفت بزرگ کردن فرزند را برای کارهایی که خیلی متوقف به وجود آنها هم نیست، رها می‌کنند، دچار اشتباه شده‌اند. بهترین روش تربیت فرزند انسان، این است که در آغوش مادر و با استفاده از مهر و محبت او پرورش پیدا کند. زنانی که فرزند خود را از چنین موهبت الهی محروم می‌کنند، اشتباه می‌کنند؛ هم به ضرر فرزندشان، هم به ضرر خودشان و هم به ضرر جامعه اقدام کرده‌اند. اسلام، این را اجازه نمی‌دهد (خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۶/۲۸).

بحث در این است که آیا زن حق دارد به خاطر همه چیزهای مطلوب و جالب و شیرینی که در بیرون از محیط خانواده برای او ممکن است تصور شود، نقش خود را در خانواده از بین ببرد؟ نقش مادری را، نقش همسری را؟ حق دارد یا نه؟ ما روی این نقش تکیه می‌کنیم. مهم‌ترین نقشی که یک زن در هر سطحی از علم و سواد و معلومات و تحقیق و معنویت می‌تواند ایفا کند، آن نقشی است که به‌عنوان یک مادر و به‌عنوان یک همسر می‌تواند ایفاء کند؛ این از همه کارهای دیگر او مهم‌تر است؛ این، آن کاری است که غیر از زن، کس دیگری نمی‌تواند آن را انجام دهد. گیرم این زن مسئولیت مهم دیگری هم داشته باشد - داشته باشد - اما این مسئولیت را باید مسئولیت اول و مسئولیت اصلی خودش بداند (خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۳/۱۳).

زن و خانواده

۲۳۸

از نظر ایشان مسئله زنان همراه و همگام با مسئله خانواده است. در اکثریت بیاناتشان بحث خانواده از اهم مباحث مربوط به زنان در جامعه است. مسئله خانواده که امروز یک مشکل اساسی در دنیاست، از کجا ناشی می‌شود؟ از نحوه نگرش به مسئله زن، یا از نگرش به ارتباط زن و مرد ناشی می‌شود.

مسئله مادری، مسئله همسری، مسئله خانه و خانواده، مسائل بسیار اساسی و حیاتی است. در همه طرح‌هایی که ما داریم، بایستی «خانواده» مبنا باشد؛ یعنی شما اگر بزرگ‌ترین متخصص پزشکی یا هر رشته دیگری بشوید، چنانچه زن خانه نباشید، این برای شما یک نقص است. کدبانوی خانه شما باید باشید؛ اصلاً محور این است. اگر بخواهیم تشبیه ناقصی بکنیم، باید به ملکه زنبور عسل تشبیه کنیم (خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۰/۴).

تقدم مادری بر شغل

ایشان بر اهمیت نقش همسری و مادری و در درجه دوم شاغل بودن زن تأکید دارد: شما کار هم دارید، بیرون هم هستید، جراحی‌تان را هم می‌کنید، مریضان را هم می‌بینید، فلان کار علمی را هم می‌کنید، فلان طرح را هم می‌نویسید، فلان درس را هم در دانشگاه می‌دهید - همه اینها به‌جای خود محفوظ - اما بایستی سهم خانه را هم در نظر داشته باشید. البته سهم خانه، مثل همه چیزهای دیگر، می‌تواند کمیتش فدای کیفیتش بشود؛ یعنی از کمیت کاستن. حضور بیست و چهارساعته زن در خانه، یک معنا دارد؛ ولی وقتی از آن بیست و چهار ساعت کم کردید؛ اما کیفیتش را بالا بردید، آن وقت یک معنای دیگری خواهد داشت. اگر دیدید آن کارتان به این قضیه ضربه می‌زند، باید برایش فکری بکنید (خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۱۰/۱۶).

نقش آفرینی زنان در عرصه‌های اجتماعی در انقلاب و پس از آن

رهبری بر نقش یکسان زنان و مردان در پیروزی انقلاب اسلامی و جنگ هشت‌ساله ایران با عراق تأکید فراوانی دارد:

آن کسانی که سابقه دارند، می‌دانند که زنان، هم در دوران مبارزه نقش داشتند، هم بخصوص در همان دوران انقلاب - یعنی آن یک سال و نیمی که حرکت انقلابی عمومی شروع شد - نقش داشتند. زنان یک نقش مؤثر و بی‌جایگزین داشتند؛ که اگر نبودند زنان توی این اجتماعات، بلاشک این اجتماعات عظیم و این تظاهرات عظیم، آن اثر را نمی‌بخشید؛ علاوه بر اینکه در بعضی جاها مثل مشهد ما، اصلاً شروع این تظاهرات، از زنان شد؛ یعنی اولین حرکت عمومی مردمی، یک حرکت زنانه بود بعد از آن بود که حرکت‌های مردانه راه افتاد... دوران سختی بود. در این دوران سخت، نقش زنان، یک نقش فوق‌العاده بود؛ نقش مادران شهدا، نقش همسران شهدا، نقش زنان مباشر در میدان جنگ، در کارهای پشتیبانی و بعضاً بندرت در کارهای عملیاتی و نظامی، حتی در بخش‌های نظامی هم فعال بودند ... مادر، مادر شهید، مادر دو شهید، مادر سه شهید، مادر چهار شهید؛ شوخی نیست؛ اینها به زبان آسان می‌آید (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۱۰/۱۴).

در سخنرانی دیگری ایشان بر تغییر وضعیت جامعه و لزوم حضور زنان در پست‌های مدیریتی تأکید می‌کند:

... البته بعد از انقلاب در کشور ما، وضع زن به‌عنوان عضوی از جامعه و همچنین

به‌عنوان کسی که صاحب وظایف زنانه است - وظیفه مادری و همسری و امثال اینها - خیلی بهتر از گذشته است... زنان در گذشته، اصلاً به این بخش توجهی نداشتند و اهمیتی نمی‌دادند. در مسئولیت‌های عمومی جامعه، نقشی برای زنان فرض نمی‌شد؛ خودشان هم نقشی را فرض نمی‌کردند؛ بخصوص در این سطح وسیعی که امروز مطرح است... شما همین سؤال را مطرح بکنید که چرا زنان مسئولیت‌ها و مدیریت‌های کلیدی ندارند؟ این سؤال قابل قبولی است. چنانچه صلاحیت‌های خوبی در زنان هست - نه اینکه ما تعصب بورزیم و بگوییم باید حتماً زن درجایی مسئول شود - آنجایی که منع اسلامی ندارد - چون درجایی ممکن است منع اسلامی داشته باشد - تا سطوح بالا را شامل می‌شود (خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۱۰/۱۶).

ضرورت دانش برای زنان

ایشان بر لزوم باسواد بودن زنان خانه‌دار نیز تأکید دارد. اینکه اگر زنی شاغل نیست پس نیازی به سواد و علم و آگاهی ندارد از نظر ایشان غلط و نادرست است:

از جمله چیزهای بسیار مهم دیگر، آموختن روش‌های صحیح کار داخل خانه - یعنی برخورد با همسر و برخورد با فرزندان - به زنان است. زنانی هستند که خیلی هم خوبند؛ دارای حلم و صبر و گذشت و اخلاق خوبند؛ اما روش‌های برخورد با همسر یا با فرزندان را درست نمی‌دانند. این روش‌ها علمی است؛ چیزهایی است که با تجربه بشری روزبه‌روز پیشرفت کرده و به مراحل خوبی رسیده است. کسانی هستند که تجربه‌های خوبی دارند؛ باید روش‌هایی پیدا کنید که افرادی که می‌توانند، خانم‌ها را به این مسائل راهنمایی کنند. از جمله کارهای بسیار اساسی، باسواد کردن زنان است. از جمله کارهای بسیار مهم، کتاب‌خوان کردن زنان است. یک شیوه‌های ابتکاری پیدا کنید، برای اینکه خانم‌های داخل خانه را کتاب‌خوان کنید. متأسفانه زنان ما با کتاب‌خوانی خیلی انسی ندارند. هزاران کتاب در بازار می‌آید و می‌رود؛ اما اینها مطلع نمی‌شوند. این کتاب‌ها معارف بشری است که ذهن‌ها را برای بهتر فهمیدن، بهتر اندیشیدن، بهتر ابتکار کردن و در موضع بهتر و صحیح‌تری قرار گرفتن، آماده می‌کند (خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۰/۴).

حضور اجتماعی زنان در اسلام

اسلام نیز خواهان حضور زنان در جامعه است. حضوری که با موازین دیگر اسلام تناقض نداشته باشد.

نظر اسلام، یک نظر میانه است؛ یعنی زن اگر فرصت و فراغت داشته باشد، بچه‌داری مانع او نگردد، شوق و علاقه و نیرو و توان جسمانی داشته باشد و بخواهد وارد فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی یا اقتصادی شود، مانعی ندارد؛ اما اینکه او را مجبور کنند و بگویند باید حتماً شغلی بپذیری، روزی فلان قدر کار کنی تا با درآمد آن بتوانی در تأمین هزینه خانوار، سهمی به عهده بگیری، نه. این راه هم اسلام از زن نخواست است. این راه هم یک نوع تحمیل بر زن به حساب می‌آورد (خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۶/۲۸).

«این به برکت حاکمیت اسلام در این کشور است که زنان در عرصه حضور علمی، این جور خودشان را دارند نشان می‌دهند و این برجستگی‌ها را پیدا می‌کنند. این جزو افتخارات نظام جمهوری اسلامی است» (خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۸/۲۷).

زنان فعال، کارآمد، عالم، نویسنده و اندیشمند در جبهه دفاع از انقلاب اسلامی باید حضور جدی‌تر و نمایان‌تری در صحنه داشته باشند. ما در زمینه مسائل زنان در جمهوری اسلامی ایران پیشرفت داشتیم ولی این پیشرفت‌ها متناسب با نیازها و توقعات مورد نظر اسلام نیست و باید تلاش بیش از پیشی انجام گیرد (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۲/۲۱).

بعضی‌ها از ما می‌پرسند: شما موافقید زن‌ها بروند کار کنند؟ ما می‌گوییم: البته، ما با بیکاری خانم‌ها مخالفیم؛ زن اصلاً باید کار کند. البته کار دو جور است: یکی کار داخل خانه و یکی کار بیرون خانه، هر دو کار است؛ اگر کسی استعداد دارد در کارهای مربوط به بیرون منزل، باید انجام بدهد، خیلی هم خوب است. منتهی یک شرط دارد، باید جوری باشد که این اشتغال - حتی در داخل خانه - به پیوند زن و شوهر لطمه‌ای نزند... زن اگر خواست برود کار کند، این اشکالی ندارد، اسلام هم مانع نیست؛ اما این وظیفه او نیست. این بر او واجب و لازم نیست. چیزی که بر او واجب است، عبارت است از حفظ فضای حیاتی برای مجموع این خانواده... (خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۸/۱۹).

«اما آن شغلی که شما بیرون دارید، اگر شما نکردید، ده نفر دیگر آنجا ایستاده‌اند و آن کار را انجام خواهند داد. بنابراین اولویت با این کاری است که بدیل ندارد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۱۰/۱۴).
«نقش زن به عنوان عضوی از خانواده. به نظر من از همه نقش‌هایی که زن می‌تواند ایفا کند، این اهمیتش بیشتر است» (خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۴/۱۳).

از نظر اسلام اشتغال زنان در بیرون از خانه نباید لطمه‌ایی به حضور و نقش زن در درون خانه

وارد کند؛ بنابراین در کنار تمامی وظایف و مسئولیت‌هایی که بر دوش زنان است، مهم‌ترین جایگاه زنان و برجسته‌ترین نقش زنان انسان‌سازی و تربیت افراد جامعه است.

نگاه غرب به زن

ایشان در برابر اسلام غرب را مطرح می‌کند، غربی که در صدد ضربه زدن به اسلام و ایران اسلامی است. یکی از مفاهیمی که در غرب بسیار مطرح می‌شود آزادی زنان می‌باشد. آزادی در جامعه اسلامی با آزادی در معنای غربی آن به شدت متفاوت است. آزادی در غرب به معنای بی‌بندوباری و زیر پا گذاشتن تمام اخلاقیات و چارچوب‌هاست. این آزادی بیش از هر چیز به ضرر زنان جامعه غرب است؛ زیرا آنها را از شأن واقعی و جایگاه انسانی خویش به پایین می‌کشد و به یک عروسکی برای التذاذ بیشتر مردان تبدیل می‌سازد:

غرب می‌خواهد فرهنگ خود را بر همه‌جا حاکم کند. فرهنگ غرب، برهنگی است. البته به شما عرض کنم که این برهنگی، این فساد و بی‌بندوباری و این شکل فضاحت آمیزی که بعضی از زنان در بسیاری از کشورهای غربی دارند... آنها می‌خواهند همان فساد و بی‌بندوباری را که خودشان گرفتارش شده‌اند، به کشورهای اسلامی هم صادر کنند. ولی ما این را نمی‌خواهیم (خامنه‌ای، ۱۳۷۳/۷/۲۰).

متأسفانه در دنیای غرب، بیشتر متفاهم از این آزادی، آزادی به معنای نادرست و مضر آن است - یعنی آزادی از قیدوبندهای خانوادگی، آزادی از نفوذ مطلق مرد، آزادی از حتی قید ازدواج و تشکیل خانواده و پرورش فرزندان در آنجایی که هدف شهوانی زودگذری در مقابل قرار گیرد - نه آزادی به معنای صحیح آن (خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۷/۳۰).

شما ببینید که در مقابل «حجاب» چه حساسیتی نشان می‌دهند! این حجاب اگر در جمهوری اسلامی باشد، آن رازش می‌شمارند. اگر در دانشگاه‌های کشورهای عربی باشد که دختران جوان دانشجو، با معرفت و آگاهی و با میل و اختیار خود به حجاب روی آورده‌اند، حساسیت نشان می‌دهند. اگر در بین احزاب سیاسی باشد، حساسیت نشان می‌دهند. اگر در مدارس و حتی دبستان‌های کشورهای خودشان هم باشد - با اینکه زیردست خودشان است - حساسیت نشان می‌دهند. پس نقطه دعوا در اینجا است. البته در تبلیغاتشان، دائم فریاد می‌زنند که حق زن در اسلام یا در جمهوری اسلامی، پایمال شده است. خودشان هم به این قضیه اعتقادی ندارند و می‌دانند که حق زن در جمهوری اسلامی تضعیف نشده بلکه تقویت شده است. شما نگاه کنید و ببینید که تعداد محصلین و دانشجویان زن

•
-دختران تحصیل کننده در مراکز عالی - امروز در ایران بیشتر است یا در دوران حکومت طواغیت بیشتر بود؟ می بینید که امروز بیشتر است. تعداد دانشجویان دختر برجسته و دارای نمره اول در تحصیلات، امروز بیشتر است یا در آن زمان بیشتر بود؟ می بینید که امروز بیشتر است. عده زنانی که در مراکز پزشکی و درمانی و در مراکز گوناگون علمی در این کشور مشغول کار و تحقیق هستند، امروز بیشتر است یا آن روز بیشتر بود؟ می بینید که امروز بیشتر است. عده زنانی که در صحنه سیاست کشور و در عرصه های مجامع بین المللی حضور قدرتمند پیدا می کنند و در آنجا از حقوق و نظرات این کشور و این ملت - که کشور خود و ملت خودشان است - دفاع می کنند، امروز بیشتر است یا آن روز بیشتر بود؟ می بینید که امروز بیشتر است. آن روز زنان با هیأت های مختلف به مسافرت های گوناگونی می رفتند؛ اما تشریفاتی بود. برای هوسرانی و نشان دادن سر و کول خودشان به این و آن بود. لکن زن مسلمان امروز، در مجامع جهانی، در کنفرانس های گوناگون جهانی، در مراکز علمی و در دانشگاه ها، حضور علمی یا سیاسی یا خدماتی دارد. اینها ارزش دارد (خامنه ای، ۱۳۷۳/۷/۲۰).

مثل زمان شاه که عمل می شد. در آن زمان، زن اصلاً پوشش و حجابی نداشت؛ حتی در اینجاها وقتی نوبت به این کارها میرسد، بی بندوباری خیلی بیشتر هم می شود؛ کما این که در زمان شاه، بی بندوباری ای که در همین شهر تهران و بعضی دیگر از شهرهای کشور ما بود، از معمول شهرهای اروپا بیشتر بود! زن معمولی در اروپا، لباس و پوشش خودش را داشت؛ اما در اینجا آن طوری نبود (خامنه ای، ۱۳۷۰/۱۰/۴).

۲۴۳

آنچه در سرمایه کلامی ایشان برای زنان نمود می یابد برجستگی هویت انسانی زن و مرد و ضرورت رعایت شئون اسلامی برای ایفای نقشی فعال و مؤثر در سرنوشت اجتماعی خود و جامعه اسلامی در کنار مردان است. اظهارات فوق به خوبی نشان می دهد که از نگاه ایشان، اسلام نه با آزادی و تحصیل و اشتغال زنان بلکه با مفهوم زن شیئی شده در جهت خواست و اهداف دیگران مخالف هستند و حق انتخاب، فعالیت، آزادی عمل و حاکم بودن بر سرنوشت خودشان را تنها در فضایی سالم و اخلاقی و اسلامی ضروری می دانند. ایشان در بیانات مختلفی بر لزوم رعایت مرزها و حریم های میان زنان و مردان که مورد تأیید و تأکید اسلام نیز است سخنرانی کرده اند.^۱

۱. ر.ک. به: (۱۳۷۵/۱۲/۲۰) و (۱۳۷۳/۷/۲۰).

نتیجه‌گیری

گفتمان سنتی، حضور زن را در جامعه بر نمی‌تابد و گفتمان مدرن حضور زن را در چارچوب خانواده قبول نمی‌کند؛ اما سخنان رهبری در ارتباط با بازتعریف زن و زنانگی و برساخته شدن هویت جنسیتی پیوندی میان گفتمان سنتی و گفتمان مدرن ایجاد می‌کند. مجموعه بیانات ایشان حکایت از آن دارد که زن چگونه می‌تواند در خانه حضور با کیفیت داشته باشد (نقش همسری و نقش مادری) و به‌طور فعال و مؤثر در جامعه حضور یابد که در عین حال با موازین دین اسلام منافاتی نداشته باشد. دین اسلام گفتمانی را مطرح می‌سازد که نکات مثبت گفتمان سنتی و گفتمان غربی را در خود دارد و در عین حال از هر دوی آنها کامل‌تر است. در واقع گفتمان رهبری با داشتن بینشی انتقادی و لحنی قاطع در طرد و تقبیح نظام پیشین و شعارهای دنیای غرب در خیانت به زنان و اطمینان به عدالت محور بودن دین اسلام در ارتباط با قوانین و مسائل مربوط به زنان و تأمین خیر و سعادت برای این گروه از طریق اجرای قوانین دین اسلام در کشور، زنانگی مورد تأیید اسلام را بیان می‌دارد که شالوده‌های این زنانگی مورد تأیید اسلام را در سال‌های آغازین انقلاب اسلامی رهبر فقید انقلاب، امام خمینی بنیان نهاد.

بیانات مختلف رهبری و ذکر نمونه‌ها و مثال‌های فراوان به معنای به‌کارگیری استراتژی تقویت و تشدید معنا و هویت اسلامی - خودی و تضعیف و تخفیف استدلال‌های غیر اسلامی - دیگری را نشان می‌دهد. در زمانی با لحنی آرام از برابری زن و مرد در اسلام و کرامت و آزادی که دین اسلام و انقلاب اسلامی به یاری همین زنان به آنها داده است را متذکر می‌شود و بعد به قوانینی اشاره می‌کند که از سوی خداوند برای سالم ماندن جامعه وضع شده است. همچنین ایشان با یادآوری گذشته و تاریخ غرب به زنان هشدار می‌دهد که فریب شعارهایی که آنها را به یک عروسک برای التذاذ بیشتر مردان تشویق کرده و بر قوانین اسلامی خرده می‌گیرند، نخورند.

از نظر رهبری تأکید غرب بر آزادی زنان، رواج بی‌پندوباری و تبدیل زن به یک زنانگی برساخته مبتنی بر نمایش زیبایی و برهنگی و فساد است و چنین زنانگی فاقد هرگونه آگاهی و اراده، آزادی حقیقی و نه گفتن به جریان‌اتی که قصد فریب و سوءاستفاده از او را دارند، است. در مقابل زنانگی برساخته شده از اسلام را بر پایه مفاهیمی مانند شجاعت، اراده، آگاهی و دخالت آگاهانه در سرنوشت خویش و کشور، اهمیت نقش مادری و نقش همسری و حضور فعال و عالمانه در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی را برجسته می‌نماید.

به بیان دیگر، چنانچه تحلیل این متن نشان می‌دهد و در قسمت‌های دیگر نیز ذکر شد، منازعه

قدرت بیشتر میان نظام اسلامی و دشمنان اسلام و دنیای غرب در جریان است تا میان زن و مرد. به‌طور خلاصه می‌توان مهم‌ترین محورهای معنایی شاخص سرمایه کلامی رهبری درباره زنان را چنین جمع‌بندی کرد:

۱. زنان مسلمان ایرانی همپای مردان در تمامی عرصه‌ها حضور دارند و فداکاری‌های فراوانی را از خود نشان داده‌اند.

۲. دین اسلام و نظام اسلامی عنایتی خاص و ویژه به زنان دارد. زنان می‌توانند با رعایت شئون اسلامی و حجاب و حفظ مرزها میان خود و مردان نقش مؤثر خویش را در جامعه اسلامی و در عرصه‌های مختلف ایفا کنند.

۳. زنان باید نسبت به اهمیت نقش همسری و مادری و اهمیت خانواده آگاه باشند و در تلاش برای حفظ بنیان آن آگاهانه رفتار کنند.

۳. زنان باید نسبت به اهمیت تحصیلات برای ایفای بهتر نقش خویش آگاه باشند.

۴. زنان باید نسبت به حقانیت و کارآمدی قوانین اسلامی برای آنها به‌منزله مصادیق اختیار و شجاعت هوشیار باشند.

به‌طور خلاصه می‌توان زنانگی موردقبول رهبری که زنانگی مورد تأیید امام و اسلام نیز است را این‌گونه ترسیم کرد: زنی که با رعایت کامل حجاب و دوری از بی‌بندوباری و فساد اخلاقی و در راستای پشتیبانی از اسلام و نظام جمهوری اسلامی و انقلاب در مقابل دشمنان می‌ایستد در هر دوره و شرایط زمانی با توجه به نیاز جامعه‌اش وارد عمل می‌شود و از خود ایثارگری‌ها نشان می‌دهد، زنی است که چه از لحاظ عملی (نقش زنان در انقلاب و جنگ) و چه از لحاظ نظری (نظرات اسلام درباره زن) نه کمتر از مردان بلکه در کنار مردان یا بالاتر از آنها می‌نشیند. این زن با داشتن آگاهی و دانش و اراده معطوف به عمل و تغییر به حفظ و ساختن جامعه خویش دعوت می‌شود.

در نگاه رهبری این جایگاه والای زن مرهون انقلاب و اتصال انقلاب به اسلام است. عکس موقعیت شیء گشتگی زنان در دوران قبل از انقلاب که نتیجه انفصال از اسلام و نزدیکی به غرب و اندیشه‌های غربی بوده است؛ بنابراین زن مسلمان ایرانی باید بر دو گونه تفکر متضاد فائق آید تا بتواند هم نقش مادری و همسری خود و هم نقش اجتماعی و سیاسی خود را به‌منظور مشارکت فعال در جامعه اسلامی ایفا کند: اول آن دسته از اندیشه سنتی که زن را تنها در خصوصیات زیستی‌اش می‌بیند و جدای از آن نقش دیگری برای او متصور نیست و هر نوع حضور زن در جامعه را برابر با فساد و بی‌اخلاقی و بی‌بندوباری می‌داند و دیگری تفکر غربی

که خواهان جدا کردن زن از خانواده و دور کردن زن از نقش‌های همسری و مادری است و او را به بیراهه ابتدال و عروسک شدن کشانده و از آزادی و اصالت و جایگاه والای انسانی‌اش دور کرده است.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان: تمام نویسندگان در آماده‌سازی مقاله مشارکت داشته‌اند. تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسندگان در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منفعی وجود ندارد. تعهد کپی‌رایت: طبق تعهد نویسندگان حق کپی‌رایت رعایت شده است.

منابع

- آبراهامیان، پرواند (۱۳۸۲). *ایران بین دو انقلاب*. ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی، چاپ هشتم.
- آل احمد، جلال (۱۳۸۶). *غریزدگی*، تهران: نشر فردوس.
- اسماعیلی، رضا، ربیعی، کامران (۱۳۸۷). *سنجش نیازهای فرهنگی - اجتماعی دختران دانش‌آموز شهر اصفهان*. نشریه علوم اجتماعی، *مطالعات راهبردی زنان*، ۴۱، ۹۵-۱۳۰.
- doi:20.1001.1.20082827.1387.11.0.15.4
- بانکی پور فرد، امیرحسین (۱۳۹۳). *نقش و رسالت زن*. تهران: نشر انقلاب اسلامی.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۸۷). *جامعه‌شناسی آموزش و پرورش*، دیروز، امروز، فردا. تهران: نشر علم، چاپ دوم.
- جلائی پور، محمدرضا (۱۳۸۵). *چهار ارزیابی جامعه‌شناختی از موقعیت زنان ایران (۸۴-۱۳۷۶)*. فصلنامه علوم اجتماعی، ۷(۲۱)، ۳۹-۷۲.
- https://farsi.khamenei.ir
- دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای
- سعیدیان حزی، مریم و براقی، سعیده (۱۳۹۴). *تحلیل نسبت زن و آزادی در اسلام*، در مقایسه با غرب، بر اساس آراء آیت‌الله خامنه‌ای. *مجله پژوهش‌های حکمت‌اهلبیت*، ۲(۲)، ۱۱-۲۴.
- https://rjwph.ui.ac.ir/article_16244.html
- سیمبر، رضا و رضا پور، دانیال (۱۳۹۷). *جایگاه زنان در گفتمان رهبران انقلاب اسلامی ایران*. فصلنامه علمی-پژوهشی زن و جامعه، ۹(۳۴)، ۱۳۳-۱۵۴.
- doi: 20.1001.1.20088566.1397.9.34.6.2
- شفیعی، سمیه‌السادات (۱۳۸۵). *جمهوری اسلامی و مطالبات زنان*. فصلنامه علوم سیاسی و مطالعات راهبردی، ۴۱(۴۱)، ۱۹۷-۲۱۰.

•
- شولتز، دوان و آلن شولتز، سیدنی (۱۳۷۸). نظریه‌های شخصیت. تهران: نشر هما، چاپ دوم.
- غنیمی، محمدحسین، معدنی، سعید و صدقی، ذبیح اله (۱۳۹۹). بررسی جامعه‌شناختی عدالت جنسیتی در کسب نقش و پایگاه اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در قوانین ایران طی بازه زمانی دهه ۱۳۴۰ تا ۱۳۹۰. پژوهش‌های میان‌رشته‌ای در علوم انسانی. ۱۹، ۱-۱۴.

<https://www.ijts.ir/volume/23>

- فاضلی، محمد (۱۳۸۳). گفتمان و تحلیل گفتمان انتقادی. پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، ۴(۱۴)، ۸۱-۱۰۶. <https://ensani.ir/fa/article/journal-number/31674>

- قاسمی، فرید (۱۳۹۰). تاریخ مطبوعات ایران. تهران: انتشارات ثانیه، چاپ اول.
- قجری، حسین علی (۱۳۸۸). تحلیلی بر گفتمان سیاسی امام خمینی در انقلاب اسلامی. پژوهشنامه متین، ۱۱(۴۵)، ۱۰۵-۱۲۶. doi: 20.1001.1.24236462.1388.11.45.6.4
- کار، مهرانگیز (۱۳۸۰). مشارکت سیاسی زنان، موانع - امکانات، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، چاپ دوم.

- کربلای نظر، محسن (۱۳۹۰). زن و بازیابی هویت حقیقی. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- لولاور، منصوره و شاهمرادی زواره، راضیه (۱۳۹۳). واکاوی نقش اجتماعی زن از منظر آیت‌الله خامنه‌ای. نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، ۴(۱)، ۹-۲۸.

[doi: 10.22059/jstms.2014.57074](https://doi.org/10.22059/jstms.2014.57074)

- محمدی اصل، عباس (۱۳۸۳). موانع مشارکت سیاسی زنان در ایران پس از انقلاب. فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، ۳(۱۲)، ۹۳-۱۳۱.
- نیکخواه قمصری، نرگس، صادقی فسانی، سهیلا (۱۳۹۱). زنان فراتر از نقش‌های سنتی: بررسی جایگاه زن در کلام امام خمینی. زن در فرهنگ و هنر، ۴(۲)، ۵-۲۴.

<https://doi.org/10.22059/jwica.2012.24753>

- هدایت، فرج‌الله (۱۳۹۵). الگوی سوم: الگوی رفتاری زن در خانواده و جامعه. تهران: نشر لشکر فرشتگان.